

## نقد و معرفی کتاب

تحلیل گفتمان، تحلیل متن برای پژوهش‌های اجتماعی، نورمن فرکلاف، انتشارات رات لچ، ۲۰۰۳، ۲۷۰ صفحه<sup>۱</sup>.

«رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی» به مثابه نوعی از تحقیقات اجتماعی انتقادی است که بطور کلی نظریه و شیوه‌هایی را فراهم می‌آورد که برای مطالعات تجربی در روابط بین گفتمانی، اجتماعی و مباحث فرهنگی در قلمروهای اجتماعی مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. صاحب نظران رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی غالباً دارای روش‌ها و شیوه‌های خاص خود هستند.

بدون تردید یکی از شاخص‌ترین افراد این رویکرد نورمن فرکلاف، استاد دانشگاه لانکاستر بریتانیاست که در حوزه تحلیل گفتمان انتقادی دارای آثار ارزشمندی مانند *تحلیل گفتمان انتقادی* (۱۹۹۵)، *حزب کارگر جدید* (۲۰۰۰)، *زبان و قدرت* (۲۰۰۱) است.

کتاب مورد بررسی در این مبحث، سر فصل تازه‌ای بر تحلیل‌های اجتماعی، فرهنگی محسوب می‌شود. فرکلاف معتقد است که این کتاب بخشی از پروژه‌های بزرگ است و در حقیقت مانیفیست کوتاهی است برای «تحلیل گفتمان انتقادی» و با داده‌های زبانی واقعی منبع قابل اعتمادی برای پژوهشگران و دانشجویان فراهم می‌آورد. شیوه نگارش فرکلاف در این کتاب روان و داده‌های او مانند همیشه داده‌هایی ملموس از گفتار و نوشتار مردم است. مخاطبان کتاب دو دسته فرض شده‌اند؛ دسته اول دانشجویان و محققان در علوم اجتماعی و آنهایی که اطلاعات چندانی در تجزیه و تحلیل‌های زبانی ندارند و دسته دوم دانشجویان و محققانی که رشته تخصصی آنها زبان‌شناسی است.

فرکلاف معتقد است که این کتاب به نحوی گسترش آثار دیگر او، در جهت تحلیل‌های دقیق‌تر و جزئی‌تر زبانی متن‌هاست. وی این کتاب را روایت دیگری از تحلیل گفتمان انتقادی می‌داند و بر این عقیده اصرار دارد که زبان جزء جدایی ناپذیر زندگی اجتماعی است، و با عناصر دیگر زندگی اجتماعی ارتباطی دیالکتیکی دارد و بنابراین تحقیقات اجتماعی همیشه بر متن زندگی اجتماعی صورت می‌گیرد.

فرکلاف مدعی است که بررسی‌های گفتمانی از دو طریق عمده صورت می‌گیرد؛ یکی رویکردهایی که به جزئیات متن‌ها می‌پردازد و دیگری آنهایی که به جزئیات کاری ندارند. وی برای نشان دادن اختلاف این دو رویکرد اصطلاح «تحلیل گفتمانی متن محور» را برگزیده است. تحلیل‌های گفتمانی در علوم اجتماعی متأثر از آثار و

<sup>1</sup> Fairclough, N. (2003). *Analysing Discourse; Textual Analysing for Social Research*. London: Routledge.

دیدگاه‌های میشل فوکو است (فوکو ۱۹۹۷ و فرکلاف ۱۹۹۲). هدف فرکلاف در این کتاب ایجاد پیوند بین این دو دیدگاه است. وی بر این عقیده است که از یک طرف، هرگونه تحلیل متن در جهت مسائل مربوط به اجتماع باید با پرسش‌های نظری درباره گفتمان همراه باشد (مانند اثرات ضمنی و ساختاری جامعه بر گفتمان) و از طرف دیگر نمی‌توان بدون توجه به رویدادهای کلامی و نوشتاری مردم، درک درستی از اثرات اجتماعی گفتمان به دست داد. فرکلاف در این زمینه می‌گوید، «تمرکز من در این کتاب، بهرحال بر تجزیه و تحلیل زبانی متن‌ها قرار گرفته‌است» (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۳). وی این کتاب را صرفاً اثر دیگری در زمینه تجزیه و تحلیل زبانی نمی‌داند، بلکه آن را بخشی از یک برنامه‌ریزی وسیع در زمینه تحلیل گفتمان انتقادی می‌داند که می‌تواند به عنوان منبعی برای تحقیقات علوم اجتماعی سودمند واقع شود.

کتاب حاضر دارای ۴ بخش و ۱۰ فصل است، شامل مقدمه و فصل نتیجه‌گیری، به همراه واژه نامه، منابع و فهرست راهنما.

بخش ۱ با عنوان *تحلیل‌های اجتماعی، تحلیل‌های گفتمانی، تحلیل‌های متنی*<sup>۱</sup> شامل ۳ فصل است، که فصل ۱ آن به مقدمه اختصاص یافته است. فصل ۲ با عنوان *متن، رویدادهای اجتماعی و فعالیت‌های اجتماعی*<sup>۲</sup> است. در این فصل متن‌ها عناصری از رویدادهای اجتماعی معینی قلمداد می‌شوند که به ساختارهای اجتماعی شکل می‌دهند و بوسیله آنها شکل می‌گیرند. ساختارهای اجتماعی آنچه را که محتمل است، مشخص می‌کند. رویداد اجتماعی آنچه را که واقعی است، می‌سازد. فرکلاف هم چنین در این فصل به سه نوع اصلی «معنی» با هدف تحلیل گفتمان می‌پردازد. معانی که متن قسمتی از کنش در رویداد اجتماعی دارد (کنشی<sup>۳</sup>)، معانی که مربوط به بازنمایی جهان در متن است (بازنمایی<sup>۴</sup>) و معانی که به ساختار متنی هویت مردم تعلق دارد. (هویت‌یابی<sup>۵</sup>) و این سه نوع یا جنبه از معنی همیشه در متن حاضر است. رابطه بین این سه نوع معنا با رابطه فرانقش‌های «اندیشگانی»، «بینافردی» و «متنی» در دستور نقش‌گرای نظام مند هلیدی (۱۹۹۴) قابل مقایسه است.

فصل ۳ با عنوان *بینامتنیت و فرضیات*<sup>۶</sup> است. در این فصل به خود متن بیشتر توجه می‌شود. این فصل هم چنین بر چگونگی «بیرون از» متن «به درون» متن نیز تمرکز دارد که در حقیقت به آن «بینامتنیت» گفته می‌شود. چگونه متن‌ها، به همدیگر مربوط می‌شوند، متصل و منظم می‌شوند، دوباره بافت‌سازی می‌شوند و با یکدیگر دیالوگ برقرار می‌کنند. فرکلاف در این فصل به مقوله «فرضیات» نیز اشاره می‌کند و همین طور به «از پیش انگاری»<sup>۷</sup> هایی که مردم هنگام نوشتن و گفتن به وجود می‌آورند. آنچه که در یک متن گفته می‌شود در مقابل

<sup>۱</sup> social analysis, discourse analysis, text analysis

<sup>۲</sup> texts, social events and social practices

<sup>۳</sup> actional

<sup>۴</sup> representational

<sup>۵</sup> identificational

<sup>۶</sup> intertextuality and assumption

<sup>۷</sup> presupposition

آن بخشی قرار دارد که گفته نمی‌شود. آنچه که آشکار است در برابر آنچه که پنهان است، قرار دارد. فرکلاف تمایز قابل توجهی میان بینامتنیت و فرضیات قائل می‌شود که قابل تأمل است. اولی با آوردن «صداها»ی دیگر در یک متن اختلاف به وجود می‌آورد، اما دومی با ارائه و نمایش زمینه‌های مشترک سعی در کاهش اختلاف دارد.

بخش ۲ با عنوان *ژانرها و کنش*<sup>۱</sup> به ژانرها و متن به عنوان «کنش» توجه دارد. ژانر طریقی برای کنش و تعامل زبانی است، مثلاً ژانر مصاحبه، سخنرانی و گزارش خبری. این بخش شامل فصل‌های ۴، ۵ و ۶ است. فصل ۴ با عنوان *ژانرها و ساختارها*<sup>۲</sup>، به این امر می‌پردازد که ژانرها می‌توانند در سطح‌های مختلف به طور انتزاعی شناسایی شوند و متن‌ها می‌توانند ژانرهای مختلف را به طرق مختلف ترکیب کنند، مخلوط کنند، پیوند بزنند، آنها را به صورت «قالب» درآورند و به طور سلسله‌مراتبی به ژانرهای اصلی و ژانرهای فرعی تبدیل کنند. فصل ۵ با عنوان *روابط معنایی مابین جمله‌ها و بندها*<sup>۳</sup> به روابط معنایی بین جمله‌ها و بندها می‌پردازد. ماهیت روابط دستوری و روابط معنایی مابین جمله‌ها و بندها به ژانرها بستگی دارد. این **روابط معنایی** شامل؛ روابط سببی، شرطی، زمانی، توصیفی، تقابلی است. فرکلاف اذعان دارد که این روابط معنایی همیشه شفاف نیست. اما **روابط دستوری**؛ این روابط بیشتر در مشخصه‌های دستوری و واژگانی بازنمایی می‌شوند. در حقیقت علائم متنی بسیاری برای تبلور این روابط وجود دارد.

در فصل ۶ با عنوان؛ *بندها: انواع مبادله، کارگفت‌ها و وجه‌های دستوری*<sup>۴</sup>، به بررسی انواع مبادله (اطلاع دادن، واکنش) کارگفت‌ها (اظهاری، تقاضایی، عرضه‌ای) و وجه‌های دستوری (خبری، پرسشی و امری) می‌پردازد. در این فصل به معنای کنشی (همان فرانش بینافرادی) البته در سطح بندها و یا جمله‌های ساده پرداخته می‌شود. فصل با توضیح درباره دو نوع مبادله گفتاری یعنی مبادله دانش و مبادله فعالیت آغاز می‌شود. اولی تمرکز بر مبادله اطلاعات، پاسخ دادن اطلاعات قرار دارد و دومی بر فعالیت و کارهایی که مردم انجام می‌دهند و کارهایی که به دیگران محول می‌کنند، متمرکز است. سپس به کارگفت‌هایی می‌پردازد که در فلسفه زبان و کاربردشناسی زبان مرسوم است. اما فرکلاف مدعی است که تمرکز را بر تعداد کمی از نقش‌های عمومی قرار دارد تا این که به نوع‌های مختلف آن بپردازد که معمولاً در این نوع ادبیات رایج است. در این فصل به وجه‌های دستوری نیز پرداخته می‌شود و تبلور آن در جمله‌های خبری، پرسشی و امری مورد بررسی قرار می‌گیرد.

بخش ۳ با عنوان *گفتمان‌ها و بازنمایی‌ها*<sup>۵</sup>، با گفتمان‌ها سروکار دارد و همین طور با متن به مثابه بازنمایی. فصل ۷ از بخش ۳ با عنوان *گفتمان‌ها*<sup>۶</sup> مشخصاً به گفتمان می‌پردازد. در این فصل فرکلاف به معرفی دیدگاه فوکو از

<sup>1</sup> genres and action

<sup>2</sup> genres and generic structures

<sup>3</sup> meaning relations between sentences and clauses

<sup>4</sup> clauses: types of exchange, speech functions and grammatical moods

<sup>5</sup> discourses and representations

<sup>6</sup> discourses

گفتمان اشاره می‌کند و سپس خودش تعریفی از آن به دست می‌دهد: «گفتمان‌ها راه‌هایی هستند برای بازنمایی جنبه‌هایی از این دنیا فرآیندها، رابطه‌ها و ساختارهای دنیای مادی، دنیای ذهنی اندیشه‌ها، احساسات، باورها و دنیای اجتماعی. جنبه‌های خاصی از دنیا ممکن است به شیوه‌های مختلفی بازنمایی شود، بنابراین ما همیشه در جایگاهی قرار داریم که می‌توانیم به رابطه بین گفتمان‌های مختلف توجه داشته باشیم» (فرکلاف، ۲۰۰۳: ۱۲۴). فصل ۸ با عنوان *بازنمایی رویدادهای اجتماعی*<sup>۱</sup>، به اختلاف گفتمان‌ها و به چگونگی بازنمایی رویدادهای اجتماعی می‌پردازد و این که چه چیزهایی را شامل می‌شوند و چه چیزهایی را نمی‌شوند؛ این که رویدادها تا چه حد انتزاعی و یا مشخص عرضه و بازنمایی می‌شوند و بیش از آن مشخصاً فرآیندها و روابط کنش‌گران اجتماعی، زمان و مکان، رویدادها چگونه بازنمایی می‌شوند. به باور فرکلاف ما می‌توانیم از زاویه دید چگونگی بازنمایی به متن نگاه کنیم و ببینیم کدام عناصر رویدادها شامل بازنمایی آن رویداد می‌شوند و کدام نمی‌شوند؛ آن عناصری که شامل بازنمایی می‌شوند؛ تا چه حد برجسته می‌شوند. این فصل برای تجزیه و تحلیل‌های گفتمان (و البته متن) ابزار نظری بسیار مناسبی به دست می‌دهد که نسبت به آثار پیشین فرکلاف بسیار نظام‌مندتر شده است.

در بخش ۴ با عنوان *سبک‌ها و هویت‌ها*<sup>۲</sup> با سبک و متن به مثابه هویت‌یابی برخورد می‌کند. فصل ۹ از بخش ۴ با عنوان *سبک‌ها*<sup>۳</sup> مدعی می‌شود که سبک‌ها جنبه‌های گفتمانی، هویت‌ها هستند. سخن گفتن و چگونه نوشتن، بخشی از آن است که ما چه و که هستیم. سبک‌ها به هویت‌یابی مربوط‌اند و فرکلاف مدعی است که استفاده از «هویت‌یابی» به جای «هویت» تأکید بر فرآیند هویت‌پذیری مردم بوسیله دیگران و توسط خودشان است. توجه داشته باشیم که فرکلاف هویت‌یابی (یا شناسایی) را قبلاً در سه معنای عمده (مرتبط با فرانش‌های هلیدی) و نیز در کنار کنش و بازنمایی به کار برده بود.

فصل ۱۰ به «نظام وجهی»<sup>۴</sup> و «نظام ارزشی»<sup>۵</sup> می‌پردازد. یکی از جنبه‌های هویت‌یابی این است که مردم در آنچه که می‌گویند یا می‌نویسند تا چه حد جانب حقیقت، اجبار و... را رعایت می‌کنند. اینها موضوعات مربوط به نظام وجهی است. دیگری مربوط به ارزش‌گذاری و ارزش‌هایی است که مردم خودشان را به آنها متعهد می‌کنند. همان طور که ذکر شد فصل آخر به نتیجه‌گیری اختصاص یافته‌است. هدف از این فصل دو گانه است: نخست، ترکیب انواع تحلیل‌های مختلف که در سرتاسر فصل‌ها آمده و بدست دادن مثالی واحد و دوم، بدست دادن چارچوبی متمرکز بر تحلیل‌های متنی در سطحی وسیع‌تر بر اساس رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی و ارائه «مانیفیست» کوتاهی در جهت برنامه‌ای بزرگ‌تر. این مانیفیست می‌تواند به عنوان منبعی در اختیار تحقیقات اجتماعی و تغییرات اجتماعی، به ویژه در عدالت اجتماعی مورد استفاده قرار گیرد.

<sup>1</sup> representations of social events

<sup>2</sup> styles and identities

<sup>3</sup> styles

<sup>4</sup> modality

<sup>5</sup> evaluation

### معرفی و نقد کتاب تحلیل گفتمان، تحلیل متن...

در قسمت «واژه‌نامه»<sup>۱</sup> اصطلاحات موجود در کتاب به طور فشرده و مختصر و گاهی همراه با مثال معرفی و تعریف می‌شود که به لحاظ آموزشی حائز اهمیت است. بطور کلی فرکلاف در این کتاب به گستره‌ای بزرگ از مفاهیم رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی پرداخته‌است و ارتباط مابین این مفاهیم را روشن ساخته است. در حقیقت وی راهنمایی قدم به قدم برای تحلیل اطلاعات زبانی واقعی فراهم کرده که دانشجویان و پژوهشگران می‌توانند از آن بهره فراوانی ببرند. متن‌های برگزیده او طیف وسیعی از اخبار سیاسی و اجتماعی هم چنین دستورالعمل‌های پزشکی و گفتگوهای ساده را در بر می‌گیرد. نظام‌مند بودن کتاب، آن را به عنوان منبعی برای تدریس در سطح کارشناسی ارشد و دکترا به صورت کتاب درسی درآورده است. آنهایی که به این رویکرد یعنی تحلیل گفتمان انتقادی علاقه‌مند هستند، می‌توانند از این کتاب بهره فراوان بگیرند و پاسخ‌های خود را در این کتاب بجویند.

گلرخ سعیدنیا

### منابع

- Chouliaraki, L. and Fairclough, N. (1999). *Discourse in Late Modernity*, Edinburgh: Edinburgh University Press.
- Fairclough, N. (1990). *Discourse and Social Change*. Cambridge: Polity Press.
- \_\_\_\_\_ (1995a). *Critical Discourse Analysis*. London: Longman.
- \_\_\_\_\_ (1995b). *Media Discourse*. London: Edward Arnold.
- \_\_\_\_\_ (2000). *New Labour, New Language?*. London: Routledge.
- \_\_\_\_\_ (2001). *Language and Power*. 2<sup>nd</sup> edition. London: Longman.
- \_\_\_\_\_ (2001). "Critical Discourse Analysis as Method in Social Scientific Research". in R. Wodak and M. Meyer (eds) *Methods of Critical Discourse Analysis*. London: Sage.
- Foucault, M. (1972). *The Archaeology of Knowledge*. New York: Pantheon.
- Halliday, M. (1994). *An Introduction to Functional Grammar*. 2<sup>nd</sup> edition. London: Edward Arnold.

---

<sup>1</sup> glossary

